

معرفی و ترجمه رساله‌ای در اعجاز قرآن

دکتر علی محمد پشتدار*

رساله در اعجاز قرآن، تفسیر قرآن.

معرفی مؤلف رساله

۱. امیر غیاث الدین منصور بن صدرالدین ابن محمد بن غیاث الدین منصور بن محمد بن ابراهیم بن اسحاق بن علی بن عربشاه حسنی حسینی از سادات مشهور دشتکی شیرازی، دانشمند و فیلسوف ایرانی است که جامع معقول و منقول و دانای فروع و اصول بود و در کلام و فقه و تفسیر نیز دست داشت. در سال ۸۶۶ هـ ق در شیراز به دنیا آمد. نقل است که در چهارده سالگی داعیه جدل و مناظره با علامه جلال‌الدین دوانی کازرونی را (۸۳۰ - ۹۰۸ ق) در مطالب علمی داشت. وی در بیست سالگی از تحصیل علوم فراغت یافت.

در ۹۳۶ ق، در عهد سلطنت شاه طهماسب صفوی به مقام صدارت عظمی رسید و به صدرالصدور ممالک لقب یافت (میرزا حسن فسایی، ۱۳۶۷: ۲۱/۱). عاقبت در نتیجه بعضی مباحثات علمی در محضر شاه طهماسب

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور، مرکز تهران.

چکیده: رساله *مطلع‌العرفان* به طور قطع از تألیفات تفسیری امیر غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی (۸۶۶ - ۹۴۹ هـ) است که تاکنون از چشم دشتکی‌پژوهان مخفی مانده است. از جناب امیر غیاث الدین منصور بیش از ۸۰ اثر به جا مانده، که یکی از این آثار *مطلع‌العرفان* در تفسیر قرآن است.

بخشهایی از این اثر به طور پراکنده شناخته شده است. به احتمال قریب به یقین این رساله نیز بخشی از همان مجموعه تفسیری مؤلف است که با رنگی کاملاً کلامی در اثبات اعجاز قرآن کریم نگارش یافته و نویسنده در آن با ذکر نظریه‌های مختلف دانشمندان مسلمان در باب اعجاز قرآن، ضمن صحنه نهادن بر همه آنها، دیدگاه «صرفه» را برگزیده است.

این رساله به شماره عمومی ۳۴۵۶ در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود و کاتب آن محمدحسینی کازرونی برای طول عمر مؤلف دعا کرده است. تاریخ تحریر نسخه ذی‌قعه سنه ۹۴۹ هـ است که نشان می‌دهد مؤلف تا زمان تحریر این رساله در قید حیات بوده است.

کلیدواژه: نسخه‌شناسی، غیاث‌الدین دشتکی، *مطلع‌العرفان*،

۱. تفسیر آیه سبحان الذی اسرى، ۶۲۱۷/۹،

۲. تفسیر آیه الاسراء، ۷۵۸/۱۸، دانشکده الهیات،

رساله در تفسیر قوله تعالى افلا يتدبرون القرآن

به احتمال قوی این رساله نیز جزئی از مجموعه تألیفات تفسیری جناب میرغیاث‌الدین منصور است که گویا نسخه منحصراً به فرد آن به ضمیمه اثر دیگری از همین مؤلف با عنوان *اخلاق منصورى* به عربی (= الحکمة العملیه) به شماره عمومی ۳۴۵۶ در کتابخانه آستان قدس رضوی، به تاریخ وقف ۱۰۶۷ هـ.ق، نگهداری می‌شود. هر دو رساله در ۱۶ برگ به خط نستعلیق شکسته و ۱۹ سطری است.

همه این رساله در دو برگ به خط کاتبی به نام محمد بن محمود بن مسعود بن محمود بن مسعود بن یحیی الهاشمی الحسینی الکازرونی در ذی‌قعدة ۹۴۹ ق تحریر شده است. البته کاتب خود را در پایان رساله تفسیر معرفی نکرده، بلکه در پایان رساله عربی *اخلاق منصورى* نام و نشان خود را آورده است. در صفحه قبل از آغاز تفسیر، این عبارت آمده است:

«مجموعه رساله تفسیر قول‌الله المتین افلا يتدبرون القرآن و لوکان من عند غیر الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً تألیف مرحومی علامی میر غیاث الدین منصور».

و در صفحه الحاق به این رساله در معرفی محتوای رساله با خط دیگری چنین آمده است:

رساله در دلالت قرآن مجید بر صدق نبوت پیغمبر (ص) به عربی مصنف غیاث‌الدین منصور متوفای ۹۴۸ و آن رساله‌ای است مختصره که در دعوای

با محقق کرکی (وفات: ۹۴۰ هـ.ق، نجف)، شیخ‌الاسلام عصر، به دلیل جانبداری شاه از شیخ، از صدارت استعفا کرد و به شیراز برگشت و تا پایان عمر در آنجا در مدرسه منصوریه به تدریس و تألیف پرداخت.

تألیفات غیاث‌الدین منصور در زمینه‌های فلسفه، حکمت، کلام، عرفان، اخلاق و تفسیر به ۸۰ اثر نیز رسیده است. تألیفات تفسیری جناب میرغیاث‌الدین تحت عنوان *مطلع العرفان* معرفی شده که این اثر مجموعه‌ای تفسیری با رنگی کاملاً کلامی است و در طی آن، مباحث متعدد کلامی را با استفاده از آیات قرآن بررسی کرده و آنها را به صورت رساله‌های مستقل نگاشته است (کاکایی، خرداد: ۱۳۷۶: ۶۳). تاکنون از این مجموعه رساله‌هایی شناسایی شده و بعضاً به چاپ نیز رسیده است از جمله:

۱. *تحفة الفتی فی تفسیر سورة هل آتی*: از این تفسیر دو

نسخه به شماره‌های ۷۵۸/۷ در دانشکده الهیات و ۷۲۲۴ در دانشگاه تهران موجود است^۱، که اخیراً به همت سرکار خانم دکتر پروین بهارزاده تصحیح و تحقیق شده و در سلسله آثار دفتر میراث مکتوب به چاپ رسیده است.

۲. *تفسیر آیه الاسراء*: این رساله در تفسیر آیه معراج

و کیفیت معراج پیامبر (ص) است که به تفصیل در این باره بحث کرده و از معراج جسمانی دفاع نموده است. این رساله در یک مقدمه و چهار باب تنظیم شده و در مقدمه، آیه شریفه همراه با روایاتی که در این زمینه آمده، تفسیر شده است.

«باب اول در امکان معراج جسمانی است، باب

دوم در ردّ شبهات منکران و استبعاد مستعبدان در این باره است، باب سوم تقریر وقوع معراج پیامبر (ص) و کیفیت آن است، باب چهارم در مشاهدات پیامبر (ص) در شب معراج و کیفیت آن است» (همان: ۶۰).

در فهرست نسخ خطی دانشگاه تهران نیز دو

نسخه از این رساله به شماره‌های زیر موجود است:

۱. نسخه سومی نیز از رساله *تحفة الفتی* به شماره ۳۵۷۵ در کتابخانه ملی تبریز موجود است.

۲. «ی» در دو کلمه مرحوم + ی = مرحومی و علامه + ی = علامی، به احتمال قوی «ی» فارسی است نه عربی که دکتر پرویز خانلری (۱۳۶۹: ۴۳۹/۳ آن را پای تعریف، معرفه و اشارت خوانده‌اند. گویا در نثر عهد صفویه استعمال این نشانه مرسوم بوده چه قاضی نورالله شوشتری نیز در *مجالس المؤمنین* (۲۴۰/۲) آورده «... در مرتبه ثانی که جناب مجتهد الزمانی ... از عراق متوجه پایه سریر خلافت مصر گشته» مولوی نیز در مثنوی آورده است: دید شخصی فاضلی پرمایه ای / آفتابی در میان سایه ای (مثنوی)، ۱، ب ۶۸. ظاهراً این نشانه در آخر صفت برای تخریم و بزرگداشت بوده است و با یای نکره و یای متکلم عربی فرق داشته است.

راستی در آن نیافتند.

فَقِيلَ لَهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَوْ لَمْ يُحْصَلْ بِأَخْبَارِ اللَّهِ - تَعَالَى - لَمَّا أَطْرَدَ الصِّدْقَ وَيُظْهِرُ فِي قَوْلِ مُحَمَّدٍ (ص) أَنْوَاعَ التَّفَاوُتِ وَالْإِخْتِلَافِ فَلَمَّا لَمْ يَظْهَرْ، عَلَّمْنَا أَنَّهُ لَيْسَ إِلَّا بِأَعْلَامِ اللَّهِ - تَعَالَى - الثَّانِي : وَهُوَ الَّذِي ذَهَبَ إِلَيْهِ أَكْثَرُ الْمُتَكَلِّمِينَ أَنَّ الْمُرَادَ مِنَ الْقُرْآنِ كِتَابٌ كَبِيرٌ مُشْتَمِلٌ عَلَى أَنْوَاعٍ كَثِيرَةٍ مِنَ الْعُلُومِ « فَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ » لَوَقَّعَ فِيهِ أَنْوَاعٌ مِنَ الْكَلِمَاتِ الْمُتَنَاقِضَةِ لِأَنَّ الْكِتَابَ الْكَبِيرَ الطَّوِيلَ لَا يَتَفَكَّرُ عَنْ ذَلِكَ فَإِنَّ قِيلَ فِيهِ أَمُورٌ مُتَنَاقِضَةٌ. فَلَمَّا قَدْ شَرَحْنَا فِي هَذَا التَّفْسِيرِ أَنَّهُ لَا تَنَاقُضَ.

ترجمه: پس اگر به ایشان گفته شود که با خبر دادن خداوند به پیامبر(ص)، هرگز راستگویی وی آشکار نمی‌شد و در سخن رسول(ص) انواع تفاوت و اختلال آشکار می‌گشت، اکنون که چنین اختلافی ظاهر نشده، درمی‌یابیم که قرآن جز اخبار خدای تعالی نیست.

العلماء قالوا دلالة القرآن على صدق نبينا محمد - صلى الله عليه وآله وسلم - من ثلثة اوجه : الاول الفصاحة الثاني اشتماله على الاختلاف و هذا هو المذكور في هذه الأبيات و بر انواع متعدد علم مشتمل است پس اگر از ذكروا في تفسير السلامه ثلثة اوجه : الاول : قال ابوبكر الاصم نعيمنا خداوند بود انواع کلمات متناقض در آن ظاهر إِنَّ هَوْلَاءَ الْمَنَافِقِينَ يَتَوَاطَّئُونَ فِي السَّرِّ عَلَى أَنْوَاعٍ كَثِيرَةٍ مِنَ الْمَكْرِ وَكَوْثُورٍ؛ چه در هر کتاب بزرگ و بلند احتمال بروز الكيد و الله - تَعَالَى - كَانِ يَطَّلِعُ الرَّسُولَ عَلَى تِلْكَ الْأَحْوَالِ حَالًا مُطَّلَبًا مُتَنَاقِضًا مِمَّا يَرُودُ. ما می‌گوییم: اکنون در این وَيُخْبِرُ عَنْهَا عَلَى سَبِيلِ التَّفْصِيلِ وَ مَا كَانُوا يَجِدُونَ فِي ذَلِكَ عِلْمًا، شرح این مطلب می‌آید که تناقضی در قرآن الصِّدْقِ.

ترجمه: دانشمندان گفته‌اند دلالت قرآن بر راستگویی پیامبر ما - صلى الله عليه وآله وسلم - از سه جهت است. اول : فصاحت آن است، دوم: اخبار از غیب است. سوم: پاک بودن آن از هر گونه اختلاف است. و این نکات در آیه مذکور آمده است. در تفسیر این دیدگاه که قرآن از هر گونه اختلاف پاک است، سه وجه آورده‌اند، اول آنچه ابوبکر اصم گفته است:

الثالث: ما ذَكَرَهُ ابُو مُسْلِمٍ الْأَصْفَهَانِي وَ هُوَ أَنَّ الْمُرَادَ مِنْهُ الْإِخْتِلَافُ فِي مَرْتَبَةِ الْفَصَاحَةِ حَتَّى لَا يَكُونُ فِي حَلِيهِ مَا يُعَدُّ فِي الْكَلَامِ الرِّكِيكِ بَلْ بَقِيَتْ الْفَصَاحَةُ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ عَلَى نَهْجٍ وَاحِدٍ وَ مِنَ الْمَعْلُومِ أَنَّ الْإِنْسَانَ وَ أَنْ كَانَ فِي غَايَةِ

۳. ابوبکر اصم: نخستین معتزلی که به جنگ شیعه آمد، ابوبکر اصم بود و پس از او هشام الفوطی (نک: حکومت اسلامی از نظر ابن‌خلدون، داود رسایی، ص ۷۶).

مذکوره استدلال بآیه شریفه «افلا يتدبرون القرآن و لو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً» نموده و رد بر ابی بکر اصم. اول آن «العلماء قالوا و دلالة القرآن» آخر آن «من غير ان يعرفوا وجه القلب». همان طور که در آغاز معرفی این رساله یاد شد جناب میرغیاث‌الدین از تفسیر این آیه نیز در اثبات صدق نبوت (ص) که موضوعی کلامی در اعجاز قرآن است، سود جست.

اینک متن رساله با ترجمه :

رساله فی تفسیر قوله تعالی افلا يتدبرون القرآن تألیف میر غیاث الدین شیرازی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

العلماء قالوا دلالة القرآن على صدق نبينا محمد - صلى الله عليه وآله وسلم - من ثلثة اوجه : الاول الفصاحة الثاني اشتماله على الاختلاف و هذا هو المذكور في هذه الأبيات و بر انواع متعدد علم مشتمل است پس اگر از ذكروا في تفسير السلامه ثلثة اوجه : الاول : قال ابوبكر الاصم نعيمنا خداوند بود انواع کلمات متناقض در آن ظاهر إِنَّ هَوْلَاءَ الْمَنَافِقِينَ يَتَوَاطَّئُونَ فِي السَّرِّ عَلَى أَنْوَاعٍ كَثِيرَةٍ مِنَ الْمَكْرِ وَكَوْثُورٍ؛ چه در هر کتاب بزرگ و بلند احتمال بروز الكيد و الله - تَعَالَى - كَانِ يَطَّلِعُ الرَّسُولَ عَلَى تِلْكَ الْأَحْوَالِ حَالًا مُطَّلَبًا مُتَنَاقِضًا مِمَّا يَرُودُ. ما می‌گوییم: اکنون در این وَيُخْبِرُ عَنْهَا عَلَى سَبِيلِ التَّفْصِيلِ وَ مَا كَانُوا يَجِدُونَ فِي ذَلِكَ عِلْمًا، شرح این مطلب می‌آید که تناقضی در قرآن الصِّدْقِ.

ترجمه: دانشمندان گفته‌اند دلالت قرآن بر راستگویی پیامبر ما - صلى الله عليه وآله وسلم - از سه جهت است. اول : فصاحت آن است، دوم: اخبار از غیب است. سوم: پاک بودن آن از هر گونه اختلاف است. و این نکات در آیه مذکور آمده است. در تفسیر این دیدگاه که قرآن از هر گونه اختلاف پاک است، سه وجه آورده‌اند، اول آنچه ابوبکر اصم گفته است:

معنای آیه آن است که منافقین درنهمان بر انواع مکر و حيله اتفاق کردند و خداوند تعالی پیامبر (ص) را بر آن مکاید لحظه به لحظه بر سبیل تفصیل آگاهانید به طوری که چیزی جز

منافقان پرده برداشته باشد، جای مناقشه و تردید دارد. آنچه از پیامبر (ص) رسیده، این است که وی از جانب الهی بر آن مکاید و نقشه‌ها آگاه می‌شده است؛ اما اینکه همه آنها را از طریق قرآن یافته یا همه آنها در قرآن آمده باشد، مدّ نظر وی نبوده است.

و اما الثانی فَلَانَ لَزومَ التناقضِ فی کلِّ کلامٍ منسوبٍ الی الغیرِ، غَیرُ مُسَلَّم، سِیما یترآی تناقضاتٌ یمكنُ دَفْعُها.

ترجمه: اینکه هر سخنی که از غیر خدا صادر شود و به غیر خدا منسوب باشد لزوماً با تناقض‌گویی همیشگی و قطعی همراه نیست، خاصه آنکه گاه تناقضاتی که به ظاهر پیش می‌آید قابل دفع و حل هستند.

و اما الثالثُ فَلَانَ لَزومَ التفاوتِ الكثيرِ بلاغَةٍ فی کلِّ کلامٍ طویلٍ محلّ مناقشه و لعلّه لا یثبتُ بهذا القدرِ الاعجازِ علی ما ادّعا علی أنّ عدم الاختلافِ بلاغَةٍ غَیرُ ظاهره کیف و العلماءُ اتفقوا علی اختلافِ مراتبِ البلاغَةِ فیهِ و ان ارادَ أنّه لم یخرُجَ عن حدِّ الاعجازِ لم یَنفَعهُ الاختلافُ فانّه «ح» یكونُ الاعجازُ دلیلاً لا عدم الاختلافِ علی أنّ اکثره لیس لها حدٌّ محدودٌ و بیان عدم اکثره لایخ عن صعوبه هذا و یمكنُ ان یفسّرَ الآیه بوجوه أُخر.

ترجمه: سوم آنکه، بروز تفاوت بسیار در کلامی طولانی از حیث بلاغت، محل مناقشه است و جای تردید دارد، بنا بر آنچه ادعا شده، اعجاز به این اندازه اثبات نمی‌شود، چه اختلاف بلاغت در قرآن هست. اگر مراد آن باشد که اختلاف بلاغت موجود، اعجاز قرآن را منتفی نمی‌کند، ذکر «لا اختلاف فیهِ» بی مورد است، چرا که در این صورت اعجاز خود دلیل است. نه اینکه عدم اختلاف دلیل اعجاز باشد. علاوه بر اینکه

۴. لایخ: لایخلو

۵. ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی (متوفی ۳۲۲) ادیب و متکلم و مفسر معتزلی است که تفسیری کلامی بر قرآن مجید با عنوان جامع التاویل لمحکم التنزیل بر اساس عقاید معتزله نوشته و به گفته یاقوت حموی در ۱۴ جلد بوده است، نک: معجم‌الادبا (۴/ ۲۴۳۸)، به نقل از مصطفی معینی، (۱۳۸۳).

البلاغه و نهایه الفصاحه فاذا کتَبَ کتاباً طویلاً مشتملاً علی المعانی الكثيره فلا بدّ ان یظہرَ التفاوتُ فی کلامه بحیثُ بعضه متیناً و بعضه سخیفاً نازلاً فلَمّا لم یکن القرآن کذلک عُلِمنا أنّهُ معجزٌ من عندالله، انتهى کلام الامام و مقالته بعبارة.

و ما رایتُ احداً من المفسرین زادَ ما افادَ شیئاً و لا یبعُدُ ان یكون مرادُ الله - تعالی - من الآیه تفسیرٌ آخرٌ غیر ما ذُکر، فانّ المذكورُ «لایخ» عن مناقشه و قصور.

ترجمه: سوم آن است که ابومسلم اصفهانی^۵ آورده است که اختلاف در مراتب فصاحت قرآن است یعنی آن زیوری که در سخن سست نیامده، بلکه قرآن از آغاز تا انجام بر مداری یکسان و فصیح است. روشن است که اگر فردی در غایت بلاغت و اوج فصاحت باشد، هرگاه مطلبی طولانی مشتمل بر معانی متعدد بنویسد، ناگزیر در سخن او تفاوت درجه آشکار می‌شود و کلامش را گاه استوار و گاه سست خواهیم یافت، پس قرآن ابداً چنین نیست، با این وصف دانسته می‌شود که قرآن معجزه‌ای خدایی است. پایان یافت کلام امام (ابومسلم اصفهانی) و مقال او با عین عبارت. و ندیده‌ام دیگر مفسران بر آنچه ایشان گفته چیزی افزوده باشند. و بعید نیست که مراد خداوند تعالی از این آیه تفسیر دیگری باشد، جز آنچه یاد شده است؛ زیرا آنچه یاد شد از مناقشه و قصور خالی نیست.

اما الاولُ فَلَانَ الاصمُ (ابوبکر) کانه لم یسمع و لم یتدبر قولہ - تعالی - افلا یتدبرون القرآن، فانّ الاخبار عن جمیع مکاید المنافقین فی القرآن محلّ مناقشه بل الواردُ أنّ النبی - صلی الله علیه و آله وسلم - اطّلع علیها یاخباره - تعالی - و اما ان هذا کله فی القرآن فلم یرد.

ترجمه: اما اول: گویی اصم (ابوبکر) نمی شنیده و در قول خدای - تعالی - افلا یتدبرون القرآن، تدبر نکرده است. این مطلب که خداوند در قرآن از همه نقشه‌های شوم

است که در سخن برخی از دانشمندان می‌بینیم که گفته‌اند اعجاز قرآن از خداست (نه در ظاهر آن).

و منها أنه قد يمكن أن يُراد بعدم الاختلاف الكثير عدم امتداد الاختلاف و هذا خلاف العاده في المخاصمه.

منها أنه إذا ادعى أحد دعوى يُزاحم المنكرون المعاندون المخاصمون ترجمه: وجه دیگر آنکه ممکن است گفته شود که مصرین علی انکار دعوت و اتی المدعی بکلام یثبتها فجميع هولاء يتوعدون اختلاف كثير به علت عدم اختلاف در مدت الی کلامه و یقصدون و یجتهدون رده و دفعه و ابطاله بما یقدرون علی ذلک طولانی بوده است، حال آنکه عدم اختلاف در زمان طولانی موجب ترک مخاصمه نمی‌شود.

ومنها أن الذي يُخاصم مُصرّاً في المُخاصمه ربّما يظهر له حقيقة كلامٍ يخاصمه و يتظاهر عليه و «ح» مع أنه في صدّد المخاصمه لا يجد من نفسه لغلبيه الحق عليه رخصه في الخلاف الكثير فليس لهم خلاف قلبی حيث قلب مُقلب القلوب قلوبهم من غير ان يعرفوا وجه القلب.

ترجمه: دیگر آنکه اگر کسی در مخاصمه اصرار ورزد، ای بسا حقیقت کلامی که با آن دشمنی می‌ورزد و می‌خواهد بر آن غلبه نماید بر او آشکار گردد، اما باز دشمنی و تظاهر به مخاصمه نماید، پس در این هنگام در نفس خویش رخصتی برای «اختلاف کثیر» و غلبه بر سخن حق نمی‌یابد. بنابراین، اختلاف ایشان از ته قلب نیست بی آنکه خود بدانند چگونه مقلب القلوب (خداوند) سبب برگشت عقیده قلبی (اندیشه) آنها شده است (و از اختلاف دست برداشته‌اند).

تم ما افاده - قدوه الحكماء المحققين صفوه العلماء المدققين استاد اعظم المفسرين و المحدثين اسناذ افاحم المتفقيين و المتشرعين زبده اشرف الساد و عمدۀ اعيان ارباب السعاده غياث اهل الحق واليقين منصوراً لاعانه الملهوفين - خلدالله تعالی ظل عواطفه و احسانه علی مفارق المؤمنین - فی تفسیر قول الله المتین. افلا يتدبرون القرآن و لو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً و صلى الله و سلم علی محمد وآله تسليماً جسيماً كثيراً.

ترجمه: پایان یافت آنچه افاده فرمود - قدوه الحكماء

{بروز} اختلاف حد و مرز مشخصی ندارد و این که بگوییم اختلاف زیاد نیست نیز خالی از دشواری نیست {مشکل آفرین است}.

آیه را بر وجه دیگر نیز می‌توان تفسیر کرد.

منها في اللفظ و منها في المعنى و منها في اثباته الدعوى و قد كثر الكلام و اختلف المرام. ثم ان نبينا - عليه و آله الصلوه و السلم - حيث أتى بالقرآن اعجز الكل في الكل فلم يتنازعا و لم يختلفوا إلا قليلاً و صاروا بهذا عاجزاً ذليلاً فكان هذا دليلاً على أنه من عند الله لصرفه عزائمهم او سلبه قواهم و لهذا أرى في كلام بعض العلماء ان الاعجاز لله.

ترجمه: از جمله آن تفاسیر این است که کسی در امری مدعی شود و دیگران مزاحم و منکر و معاند و مخاصم او گردند و مدعی در جهت اثبات ادعای خویش سخنی بگوید. همه ایشان به سخن مدعی توجه خواهند کرد و قصد و جهد می‌کنند تا سخن او را رد نمایند و او را کنار زنند و سخنش را باطل کنند به اندازه‌ای که در توان دارند، {به طوری که مدعی، حریف ایشان نشود}.

و «ظ» (ظاهراً) این مخالفت از اینجا آغاز می‌گردد و موجب اختلاف و پراکندگی فراوان می‌گردد. و از آن جمله اختلاف در لفظ یا در معنا یا در اثبات دعوی است، به تحقیق سخنان افزون می‌گردد و مقصد مختلف می‌شود. پس پیامبر ما - علیه و آله الصلوه و السلم - آن گونه که قرآن را آورده، همه را ناتوان ساخت، پس کسی دشمنی نورزیده و اختلافی نکرد، مگر اندکی و خود در پاسخ گفتن به قرآن ناتوان و خوار گشتند. پس این خود دلیلی بر آن است که قرآن از جانب پروردگار با «صرفه» مخالفان از قصد خود حمایت می‌شود یا خداوند توان مخالف‌گویی را از ایشان سلب می‌کند، به همین سبب

المحققین، صفوه العلماء المدققین استاد اعظم المفسرین و المحدثین، اسناد افاخم المتفقهین و المشرعین، زبده اشراف السّاده و عمدہ اعیان ارباب السعاده، غیاث اهل الحق و الیقین منصوراً لاعانه الملهوفین - خلد الله تعالی ظل عواطفه و احسانه علی مفارق المؤمنین - در تفسیر قول متین خداوند افلا یتدبرون القرآن ولو کان من عند الله لوجدوا فيه اختلافاً کثیراً و صلی الله و سلّم علی محمد و آله تسلیماً جسیماً کثیراً.

المحققین، صفوه العلماء المدققین استاد اعظم المفسرین و المحدثین، اسناد افاخم المتفقهین و المشرعین، زبده اشراف السّاده و عمدہ اعیان ارباب السعاده، غیاث اهل الحق و الیقین منصوراً لاعانه الملهوفین - خلد الله تعالی ظل عواطفه و احسانه علی مفارق المؤمنین - در تفسیر قول متین خداوند افلا یتدبرون القرآن ولو کان من عند الله لوجدوا فيه اختلافاً کثیراً و صلی الله و سلّم علی محمد و آله تسلیماً جسیماً کثیراً.

پایان تفسیر

کاتب در پایان رساله دوم در این مجموعه چنین خود را معرفی کرده است :

... تم النساخه بید من اُسْتَمَدَ من هِمَّتِهِ العلیا الفقیر الی رحمهِ رَبِّهِ الاعلی محمد بن محمود بن مسعود بن محمود بن مسعود بن یحیی الهاشمی الحسینی الکازرونی عفی الله عنهم فی الدنیا و العقبی فی ذی قعده سنه ۹۴۹.

شرح برخی از نکات رساله

موضوع رساله در اعجاز قرآن است. مسلمانان قرآن را بزرگترین معجزه پیامبر(ص) اسلام می دانند و معتقدند که خلق اثری که در فصاحت و بلاغت با قرآن برابری کند از نویسندگان و گویندگان دیگر بر نمی آید. مؤلف رساله جناب میرغیاث الدین منصور دشتکی شیرازی همانند دیگر مسلمانان بر این باور است و در رساله خود آورده است که دلیل نخست صدق نبی(ص) فصاحت قرآن است. دلیل دوم اشتغال آن بر اخبار از غیب (گذشته و آینده) است، و دلیل سوم سلامت متن آن است از هرگونه تناقض و اختلاف.

مؤلف محترم ضمن شرح و تأیید دیدگاههای بالا، نظریه صرف (=روش صرفه) را نیز گوشزد کرده (ص ۲ متن) و ضمن بسط این نظریه آن را پذیرفته است.

نظریه ها در باب سبب اعجاز قرآن از سوی متکلمان مسلمان از آغاز مختلف بوده، اهم آنها به شرح زیر است : الف) نظریه صرف (= روش صرفه)، ب) نظریه فصاحت و بلاغت (= روش اعجاز). ج) نظریه

اسلوب ویژه، د) نظریه اخبار از غیب، ه) نظریه راست گفتاری (= استقامت بیان در قرآن)، و) نظریه وجود معارف حیرت انگیز در قرآن، ز) نظریه اتقان معانی قرآن، ح) نظریه نظام قانون گذاری (تشریح در قرآن)، ط) نظریه وجود اسرار آفرینش در قرآن. بیشتر متکلمان امامیه از نظریه اعجاز (= فصاحت و بلاغت) جانبداری می کنند. با این همه دیگر نظریه ها را نیز غیر ممکن نمی دانند، چنان که خواجه نصیر طوسی (۵۹۷ - ۶۷۲ هـ ق) در تجرید الاعتقاد، پس از بر شمردن نظریه های مهم در این باب، با تعبیر والکلّ محتملّ درستی همه آنها را ممکن دانسته و ملا عبدالرزاق لاهیجی (متوفای حدود ۱۰۵۱-۱۰۷۲) در کتاب سرمایه ایمان پس از ذکر چند نظریه گفته است:

و لکلّ محتملّ و الاظهر هو الاول (= فصاحت و بلاغت).

سیدمرتضی (۵۰۴-۵۸۵) و شیخ مفید (متوفی: ۴۶۰) از متکلمان شیعه از دیدگاه صرفه (=روش صرفه) جانبداری می کنند، ابن حزم ظاهری (۴۰۳-۴۷۴) و برخی از اشاعره هم از این نظریه دفاع کرده اند.

بر طبق این نظریه قرآن خود معجزه نیست، بلکه معجزه آن است که خداوند اندیشه هر کس یا کسانی را که آهنگ برابری با قرآن کنند یا بخواهند اثری چون قرآن پدید آورند، از دست یازیدن به مقصد باز می دارد و او را از این کار منصرف می سازد.^۶

منابع

- خانلری، پرویز (۱۳۶۹)، تاریخ زبان فارسی، نشر نو، تهران؛
دایرة المعارف تشیع، ذیل «اعجاز قرآن»
رسایی، داوود (بی تا)، حکومت اسلامی از نظر ابن خلدون؛
شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۵۴)، مجالس المؤمنین، اسلامیه، تهران؛
فسائی، میرزا حسن (۱۳۶۷)، فارسنامه ناصری، به کوشش منصور رستگار فسایی، انتشارات امیرکبیر، تهران؛
کاکایی، قاسم (۱۳۶۷)، خردنامه صدر، ش ۷؛
معینی، مصطفی (۱۳۸۳/۳۰)، «تفسیر عقلی - کلامی قرآن»، خردنامه همشهری، ش ۳۴؛

مولوی، جلال الدین (۱۹۲۴-۱۹۴۰)، مثنوی، چاپ نیکلسون، تهران. ■

۶. به نقل از دایرة المعارف تشیع، ج ۱، ذیل اعجاز قرآن.